

مشکل ترجمه

هنر ترجمه کار هر کس نیست
لوتر

فهم گفته های آنکس که مترجم دو تن می شود
از در یافتن سخنان خودشان دشوارتر است .
و . ب شریدان

این مقاله قسمت کوچکی است از کتاب «سرگذشت زبان» به قلم ماریو پی Mario Pei استاد زبان شناسی دانشگاه کلمبیا. پی که اصلاً ایتالیایی است تحصیلات خود را در کشورهای متحد آمریکا به انجام رسانیده است و دارای نوشته های دیگری نیز درباره جنبه های گوناگون زبان شناسی می باشد که همه آنها در میان علاقمندان این رشته معروف است .

در شماره های آینده قسمت های دیگری نیز از کتاب « سرگذشت زبان » انتشار خواهد یافت ولی یادآوری این نکته در همینجا ضروری است که این مقاله و مقاله های بعدی بنا بر ترتیب اصلی کتاب ترجمه نمی شود و در انتخاب آنها علاقه احتمالی خوانندگان به مطالب عمومی تر کتاب در نظر گرفته شده است .

شاید بتوان داستان برج بابل را ، بدانگونه که در کتاب مقدس آمده است و بسیاری نیز آنرا باور می دارند ، کهنه ترین سندی به شمار آورد که آرزوی بشر را برای داشتن زبانی بین المللی در خود منعکس ساخته است ^۱

بنابراین داستان ، که به دیگر خیال پردازیهای بشر می مانند نیست ، پروردگار مهربان از در بخشندگی و بنده نوازی ، روز کاری زبان یگانه ای را به آدمی زادگان ارزانی داشت ولی بعدها چون دید که ازین یگانگی زبان به درستی بهره نمی برند ، این موهبت را از آنان پس گرفت .

و چون بشر دریافت که کار گفتگوی او با هموعان خویش مشوش شده است ، به چاره جوئی برخاست و به فکر یافتن راههایی افتاد تا مگر باخواست پروردگار به مقابله پردازد . از این رو مترجمان و مدرسه های تعلیم زبان پدید آمدند ولی کمی مدرسه ها و ضعف و ناتوانی مترجمان از همان آغاز همواره موضوع بحث و گفتگو شد .

ایتالیایی ها ضرب المثلی دارند و می گویند مترجم خائن است . اینک در این

۱- داستان برج بابل در کتاب مقدس چنین است : و تمام جهان را يك زبان و يك لغت بود . و واقع شد که چون از مشرق کوچ می کردند ، همواره ای در زمین شمار یافتند و در آنجا سکنی گرفتند . و به یکدیگر گفتند بیائید شهری برای خود بنا کنیم و برجی را که سرش به آسمان برسد . تا نامی برای خویش پیدا کنیم . . . و خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند ملاحظه کند و خداوند گفت همانا قوم یکبست و هم اکنون هیچ کاری که قصد آن کنند ازینان ممتنع نخواهد شد . اکنون نازل شویم و زبان ایشانرا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را تفهمنند در آنجا خداوند لغت تمامی اهل جهانرا مشوش ساخت . سفر پیدایش»

سخن تا چه پایه حقیقت نهفته است، مثالهای زیر به روشن شدن موضوع کمک می کند. می گویند وصول یادداشتی که از دولت فرانسه به وزارت امور خارجی آمریکا فرستاده شده بود اسباب تشویش «مقامات» وزارتخانه را فراهم کرد. در ابتدای این یادداشت کلمه ای بود که هم در زبان انگلیسی و هم در زبان فرانسوی مورد استعمال فراوان دارد با این تفاوت که انگلیسی ها به شکلی و فرانسویان به صورت دیگری از آن استفاده می برند. در زبان فرانسوی به معنی خواستن و حتی تعنی کردن است، حال آنکه در انگلیسی معنی «مطالبه» دارد، و آن وقت مقامی که یادداشت را خوانده بود بی توجه به معنی صحیح کلمه بر آشفته بود و می گفت: «اصلاً آنها چه حقی دارند که از ما مطالبه ای بکنند.» ولی به آن مقام تذکر داده شد که این عبارت در زبان فرانسه به معنی «خواهش می کنیم» است.

راستی که اگر این داستان راست باشد باید گفت که گناه از مترجم نخستین است که با اشتباه خود نزدیک بود میان دو کشور اختلافی را موجب گردد.

چندی پیش نیز در سازمان ملل اختلاف قابل ملاحظه ای بر سر شرح کلمه brutal پیش آمد زیرا ابتدا آنرا به صورت تحت اللفظی brutal ترجمه می کردند که با آنکه ظاهراً به همان شکل واژه فرانسوی است ولی در آن مورد جدی یا «مجدانه» معنی می داد، حال آنکه «ددمنشانه» ترجمه شده بود.

ترجمه کتبی و شفاهی نیازمند سلطه کامل مترجم بر هر دو زبان است حال آنکه بسیاری از ما حتی بر یک زبان نیز مسلط نیستیم. باوری کتابهای لغت نیز بسیار محدود است، زیرا هر واژه دارای برابرهایی مختلفی در زبان دیگر است و بدین ترتیب استفاده درست از کتاب لغت باز موقوف به داشتن اطلاعات عمیق از هر دو زبان است که اگر چنین اطلاعات عمیقی واقعاً فراهم باشد، دیگر نیازی به کتاب لغت نخواهد بود.

اطمینان به برابرهایی که در کتاب لغت آمده است و ندانستن راه و رسم استفاده از اینگونه کتابها، گاهگاه موجب رسوائی هائی می شود. یکی از معلمان زبان انگلیسی هنگام قرائت انشای شاگردان با عبارت Camel-Hen برخورد کرد که از آن هیچ در نمی یافت. اما بعد از آنکه مدتی به ذهن خود فشار آورد، فهمید که محصل بی نوا خواسته است بدینوسیله کلمه شتر مرغ را به انگلیسی ترجمه کند و از دو کلمه Camel (شتر) و Hen (مرغ) استفاده کرده است در حالیکه شتر مرغ را انگلیسی زبانان Ostrich می گویند.

از اینها گذشته واژه های بسیاری در زبانهای گوناگون جهان هست که بر گرداندنشان به زبانهای دیگر ممکن نیست. در سازمان ملل بسیاری از این واژه ها شناخته شده است و مترجمان زبردست آنجا که هر یک بر دو زبان سلطه کامل دارند از یافتن واژه ای در یک زبان که درست معنی واژه زبان دیگر را بدهد عاجز گشته اند. اینگونه واژه های «غیر قابل ترجمه» محدود به اصطلاحات سیاسی نیست. و ای بسا لغت های ساده ای که بر گرداندن آنها از زبانی به زبان دیگر محال به نظر می رسد. بدیهی

است که مترجمان کار خود را متوقف نمی‌سازند و با آفریدن واژه‌ای یا استفاده از کلمه‌هایی که مختصر و جبه تشابهی با معنی مورد نظر داشته باشند، ممانع را از میان برمی‌دارند. اما این واژه‌ها هرگز به اندازه کلمه اصلی نمی‌تواند رسا و مؤثر باشد.

ترجمه متن‌های فنی، تجاری و ادبی از اینها همه دشوارتر است. زیرا هر رشته‌ای برای خود لغت‌ها و اصطلاح‌هایی دارد که مترجم متن‌های آن باید علاوه بر تسلط بر هر دو زبان از خود فن نیز آگاهی کاملی داشته باشد. در کارهای تجاری نیز ترجمه با گرفتاریهای زیادی دست‌به‌گریبان است. مؤسسه کوکا کولا عده‌ای از کارشناسان را دعوت کرد تا عبارت «Have a coke» را به پنج‌جاه زبان ترجمه کنند و نتیجه‌ای که از اینکار گرفت چندان رضایت بخش نبود، آنچه به دست آمد عبارت‌های تعارف آمیزی بود به‌زبانهای گوناگون جهان.

مشکلات مربوط به ترجمه بی‌نهایت زیاد است و حدی نمی‌توان برای آن قائل شد. مثلاً معلوم نیست اگر نویسنده‌ای بخواهد عبارتی را از کتاب نویسنده دیگری که به‌زبانی غیر از زبان خود اوست نقل کند، آیا بهتر است که ترجمه آن عبارت را بیاورد یا خود آن را. منتقدی در باره کتاب نویسنده‌ای می‌گوید: «او آنچه به نقل از دیگران آورده ترجمه کرده است و بدین ترتیب خوانندگان نه بر مرتبه فضل او واقف می‌شوند و نه به کمی اطلاع خود از زبانهای بیگانه آگاه می‌گردند.» اما در همین مورد بخصوص، عقیده‌های متضاد و گوناگونی وجود دارد.

مشکل دیگر، ترجمه عبارت‌های عامیانه است. ترجمه اینگونه عبارتها مزه و شیرینی اصلی آنها را از میان می‌برد. آیا باید به ترجمه معمولی اکتفا کرد یا به جستجوی عبارت‌های عامیانه نظیر آن دست یازید. نیز هنوز معلوم نیست که اصولاً واژه‌های غیر قابل ترجمه تا چه میزان می‌توانند وارد زبان دیگری شوند. اسامی غذاها از این جمله است. این نکته شنیدنی است که «کسی مزدرد بود که آیا بدون در دست داشتن تصدیق‌نامه زبان خارجی می‌تواند غذائی برای خوردن بیابد یا نه؟»

گوناگونی نحوه بیان مطالب خود مشکل‌بزرگی بر سر راه ترجمه است مثلاً استادی قصد داشت که توجه شاگردانی را که در «ته کلاس» می‌نشینند به سوی خود جلب کند ولی عبارت «ته کلاس» را که ترجمه می‌کرد و به‌زبان دانشجویان بیان می‌داشت در نظر آنان بسیار مضحك می‌نمود چون آنان آن قسمت از کلاس را انتها یا عقب کلاس می‌نامیدند و عبارت «ته کلاس» برایشان جائی در زیر کف اتاق معنی می‌داد.

ترجمه فعل‌های معین يك زبان به‌زبان دیگر اگر بر اساس ترجمه تحت‌اللفظی صورت پذیرد گرفتاری بزرگی است. در انگلیسی به‌دیدار کسی رفتن را با کلمه پرداختن بیان می‌کنند، در فرانسوی با کلمه ساختن. در انگلیسی مردم گردش را می‌گیرند در فرانسوی می‌سازند و در اسپانیایی آنها می‌دهند. در زبان انگلیسی محصلین امتحان می‌گیرند، در ایتالیایی مانند فارسی امتحان می‌دهند ولی در فرانسوی و اسپانیایی به ترتیب زیر آن می‌روند و رنج آنها به‌خود هموار می‌دارند. ترجمه اصطلاح‌ها نیز در

این میان جای خود دارد. روسها از یکدیگر می پرسند: «چند تابستان را گذرانده اید؟» و انگلیسی ها همین مطلب را چنین بیان می کنند «که چقدر پیر هستید؟» و همه آنها منظورشان چیزی است که ما مانند اسپانیایی ها می گوئیم «چند سال دارید؟» شنیدن این عبارت انگلیسی برای ما بسیار خنده آور است که «کودکی دو سال پیر» باشد. بلیت هواپیما را ما گاهی دوسره می خریم حال آنکه بعضی ها آنرا «مدوره» خریداری می کنند و مردمی اینگونه بلیت ها را «بلیت رفت و برگشت» می نامند.

شکل معین يك واژه لاتینی در زبانهای اروپایی معنی های گوناگون می دهد مثلاً کلمه «Large» که در انگلیسی به معنی بزرگ است در فرانسوی به معنی پهن مصرف می شود و در اسپانیایی معنی آن دراز است. واژه Gift در انگلیسی به معنی هدیه است که چیز فوق العاده مطلوبی است حال آنکه همین کلمه به همین صورت در آلمانی به معنی سم و زهر است که اندازه نامطلوبی آن بر همگان روشن است. ازین عجیب تر کلمه Burro است که در زبان مردم اسپانیا به معنی خراست حال آنکه ایتالیایی ها آن را برای لفظ کره بکار می برند. اینك بشکرید حال مردی را که تخم مرغ و کره یا به زبان خودمان نیر و می خواست و پیشخدمت آرژانتینی در نهایت حیرت بهر وسیله ای توسل می جست تا به او حالی کند که الاغ تخم نمی گذارد. «مرسی» که در زبان فرانسه نوعی تشکر بشمار می رود در ایتالیایی به معنی بار است و همین مسأله موجب شده بود که يك مسافر آمریکائی می گفت که ایتالیایی ها مردمی فوق العاده مؤدب هستند چون روی بیشتر کامیونهایشان کلمه «مرسی» به چشم می خورد.

همانطور که گذشت این گرفتارها در سازمان ملل متحد از همه جا بیشتر پیش می آید و ترجمه مطالب به پنج زبان رسمی این مرکز جهانی با چنان مشکلاتی مواجه می گردد که گاه آگاه ترجمه يك واژه جز با عبارتهای دراز امکان ندارد. در کنفرانس معروف سانفرانسیسکو، شرکت کنندگان چینی ناگهان مجبور شدند که هزار واژه برای ترجمه سخنان دیگران بیافرینند و همین اواخر بود که معلوم شد ترجمه «بمب اتمی» به چینی کار ساده ای نیست و سرانجام آنرا «گلوله اصل ماده» نام نهادند. توجه به جنبه های دیگر دشواری کار ترجمه نیز خالی از فایده نیست. در سازمان ملل حساب شده است که برای ترجمه دو میلیون کلمه ای که در طول هفت هفته در مجمع عمومی ادا می شود به پنج زبان رسمی سازمان، نزدیک به صد میلیون برگ کاغذ مصرف می گردد. نطق يك ساعتی نماینده مثلاً انگلیس در سازمان ملل به زبانهای دیگر نزدیک به چهارصد «مرد - ساعت» وقت می گیرد و باید ۱۲۴ نفر روی آن کار کنند

تا بتوان آنرا برای همیشه همراه با ترجمه‌های روسی، فرانسوی، اسپانیایی و چینی بایگانی کرد.

دانشجویانی که در یکی از جلسات سازمان ملل شرکت کرده بودند عقیده داشتند که مذاکرات به‌وضع تحمل‌ناپذیری با‌کنندی پیش می‌رود و این بیشتر به‌واسطه تأخیری است که در کار ترجمه پیش می‌آید و موجب می‌شود که نه تنها شرکت کنندگان دچار کسالت شوند و حتی به خواب روند بلکه این حال به خود سخنران نیز دست دهد. خانم روزولت زمانی گفته بود که کاش می‌شد در سازمان ملل فقط يك زبان را رسمی کرد و نرنمایی داد که شرکت کنندگان در آن هم، آن يك زبان را به‌خوبی بدانند. این اظهارخانم روزولت هیچ تازکی ندارد و بارها و در مواقع مختلف دیگران نیز آرزوی وجود چنین زبانی را کرده‌اند. زبانی که جنبه جهانی داشته باشد و مشکل ترجمه را از میان بردارد و نه تنها مورد استفاده سیاستمداران قرار گیرد بلکه ارباب حرف و صناعات نیز از آن بهره بجویند و جهانگردان و دانشجویان نیز آنرا بدانند و بکار بندند. راستی اگر چنین زبانی به وجود آید دیگر همه مشکلاتی که هر کس به‌محض پا برون نهادن از کشور خویش با آن مواجه است از میان خواهد رفت. ولی آیا به‌راستی وجود چنین زبانی مشکل ترجمه را در عصر کنونی، که با وسائل ارتباطی جدید، همه ملت‌ها خود را همسایه یکدیگر می‌دانند حل خواهد کرد؟ این زبان چه زبانی باید باشد. یکی از زبانهای ملی موجود یا زبانی ساختگی؟ در این مورد پیش از آنکه جوابی به‌سؤال خود بدهیم باید ببینیم که برای این منظور در گذشته چه پیشنهادهایی شده و چه اقداماتی در زمینه‌های محدود و بین‌المللی به‌عمل آمده است؟

ترجمه ایرج پزشک نیا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی